



## The Interaction Impact of Accruals Quality and Corporate Governance Quality on Performance Variability

**Azam Valizadeh Larijani**

\*Corresponding Author, Assistant Prof., Department of Accounting, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran. E-mail: a.valizadeh@alzahra.ac.ir

**Seyed Ali Hosseini**

Assistant Prof., Department of Accounting, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran. E-mail: a.hosseini@alzahra.ac.ir

**Mahsa Tahmasebi Ashtiyani**

MSc., Department of Accounting, Faculty of Social Sciences and Economics, Alzahra University, Tehran, Iran. E-mail: mtahmasebi@student.alzahra.ac.ir

### Abstract

**Objective:** As prior studies consequences, accruals quality and corporate governance are two important factors that can affect on firms performance significantly. Establishing corporate governance and increasing the quality of that, as one of the benchmarks to measure the performance of the firms, will lead to decrease of agency expenses and so can improve the performance of the firm and subsequently can reduce its volatility. On the other hand, investigating the quality of accruals as one of the main factors affecting the quality of accounting profit that is considered by investors, can also lead to better company performance as well as enhancing investor satisfaction and maintaining the reliability and credibility of the companies. Thus, the purpose of the present study is to investigate the relationship between accruals quality and corporate governance quality with performance variability of the firm and the impact of corporate governance quality on the relationship between accruals quality and performance variability of the firm. Thus, in this study, three hypothesis are tested.

**Methods:** In this research, two key elements in corporate governance, namely, institutional investors, which enhance information transparency and thus reduce information asymmetry, as well as the characteristics of board members that can help reduce the conflict of interest between shareholders and management, have been studied. For this purpose, the model of Francis et al (2005) was used to measure the accruals quality and the quality of corporate governance and measured by assessing the institutional shareholder ownership, board independence, and the use of financial and accounting experts in the board of directors. In order to calculate the volatility of firm performance, the standard deviation of return on assets was used. Thus, Three hypotheses

have been designed and tested using the data of a sample from listed companies in Tehran Stock Exchange during the period 2011 to 2019.

**Results:** According to the findings of this study, accruals quality and corporate governance quality have a significant negative relationship with corporate performance variability. Also, the quality of corporate governance exacerbates the negative relationship between accruals quality and corporate performance variability.

**Conclusion:** Due to the abnormal fluctuations in corporate performance which can reflect the unfavorable status of the company in different aspects, and since enhancing corporate governance and accruals quality helps to improve corporate performance, it can generally be concluded that increase in the quality of corporate governance and the quality of accruals will reduce the variability of the firm's performance as one of the determinants of investor risk.

**Keywords:** Performance variability, Accruals quality, Corporate governance quality.

**Citation:** Valizadeh Larijani, A., Hosseini, S.A., & Tahmasebi Ashtiyani, M. (2020). The Interaction Impact of Accruals Quality and Corporate Governance Quality on Performance Variability. *Accounting and Auditing Review*, 27(3), 454 - 472. (in Persian)

-----  
Accounting and Auditing Review, 2020, Vol. 27, No.3, pp. 454 - 472

DOI: 10.22059/acctgrev.2020.302232.1008377

Received: February 07, 2020; Accepted: May 23, 2020

© Faculty of Management, University of Tehran



## اثر تعاملی کیفیت اقلام تعهدی و کیفیت حاکمیت شرکتی بر نوسان پذیری عملکرد شرکت

اعظم ولی زاده لاریجانی

\* نویسنده مسئول، استادیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. رایانامه: a.valizadeh@alzahra.ac.ir

سیدعلی حسینی

دانشیار، گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. رایانامه: a.hosseini@alzahra.ac.ir

مهسا طهماسبی آشتیانی

کارشناس ارشد، گروه حسابداری، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران. رایانامه: mtahmasebi@student.alzahra.ac.ir

### چکیده

**هدف:** استقرار و ارتقای سازوکارهای حاکمیت شرکتی، به دلیل کاهش هزینه‌های نمایندگی، می‌تواند سبب بهبود عملکرد شرکت‌ها شود. کیفیت اقلام تعهدی نیز به‌عنوان یکی از عوامل اصلی مؤثر بر کیفیت سود حسابداری است که سرمایه‌گذاران همواره به آن توجه می‌کنند و می‌تواند به عملکرد بهتر شرکت، افزایش رضایتمندی سرمایه‌گذاران و حفظ اعتبار و شهرت شرکت‌ها کمک کند. از این رو، هدف این پژوهش، بررسی اثر تعاملی کیفیت اقلام تعهدی و کیفیت حاکمیت شرکتی با نوسان‌پذیری عملکرد شرکت است.

**روش:** در این پژوهش، برای اندازه‌گیری کیفیت اقلام تعهدی، از مدل فرانسیس و همکاران (۲۰۰۵) و برای اندازه‌گیری کیفیت حاکمیت شرکتی، از شاخص‌های مالکیت سهام‌داران نهادی، استقلال اعضای هیئت‌مدیره و استفاده از متخصصان مالی و حسابداری در ترکیب اعضای هیئت‌مدیره استفاده شد. همچنین، به‌منظور محاسبه نوسان‌پذیری عملکرد شرکت، از انحراف معیار بازده دارایی‌ها استفاده شد. داده‌های استفاده شده در پژوهش، مربوط به ۹۷ شرکت بورس اوراق بهادار تهران از سال ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ است. به‌منظور آزمون فرضیه‌ها از رگرسیون خطی چندمتغیره استفاده شده است.

**یافته‌ها:** بر اساس یافته‌های این پژوهش، کیفیت اقلام تعهدی و کیفیت حاکمیت شرکتی با نوسان‌پذیری عملکرد شرکت رابطه منفی معنادار دارد. همچنین کیفیت حاکمیت شرکتی، رابطه منفی بین کیفیت اقلام تعهدی با نوسان‌پذیری عملکرد شرکت را تشدید می‌کند.

**نتیجه‌گیری:** به‌طور کلی افزایش کیفیت حاکمیت شرکتی و کیفیت اقلام تعهدی به کاهش نوسان‌پذیری عملکرد شرکت منجر خواهد شد.

**کلیدواژه‌ها:** نوسان‌پذیری عملکرد، کیفیت حاکمیت شرکتی، کیفیت اقلام تعهدی.

**استناد:** ولی‌زاده لاریجانی، اعظم؛ حسینی، سیدعلی؛ طهماسبی آشتیانی، مهسا (۱۳۹۹). اثر تعاملی کیفیت اقلام تعهدی و کیفیت حاکمیت شرکتی بر نوسان‌پذیری عملکرد شرکت. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۷(۳)، ۴۵۴-۴۷۲.

بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۳۹۹، دوره ۲۷، شماره ۳، صص. ۴۵۴-۴۷۲

DOI: 10.22059/acctgrev.2020.302232.1008377

دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۸، پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۰۳

© دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

## مقدمه

رخداد‌های پرتلاطم ناشی از بحران‌های مالی جهانی در چند دهه اخیر، اهمیت حیاتی گزارشگری مالی با کیفیت بالا و معتبر را برای جهانیان بیش از پیش آشکار کرده است. این رویدادها، اهمیت و توجه به نقش گزارشگری مالی با کیفیت را نشان می‌دهد. دستیابی به گزارشگری مالی با کیفیت بالا، به یکپارچگی پیوندهای موجود در زنجیره گزارشگری مالی بستگی دارد. در این راستا، افزایش کیفیت سود که ناشی از افزایش کیفیت ارقام تعهدی است، از اهمیت بسزایی برخوردار است. افزایش کیفیت سود و ارقام تعهدی برای اتخاذ تصمیم‌های مطلوب اقتصادی و جلب توجه بیشتر اعتماد جهانی پس از بحران‌های اخیر برای حرفه حسابداری، برای سرمایه‌گذاران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. افزایش کیفیت ارقام تعهدی که افزایش کیفیت سود و گزارشگری مالی را در بر دارد، می‌تواند ریسک سرمایه‌گذاری‌ها را کاهش داده و سرمایه‌گذاران را برای تخصیص مطلوب منابع به سرمایه‌گذاری‌های بهینه راهنمایی کند (دستگیر و غنی زاده، ۱۳۹۲).

از کیفیت ارقام تعهدی می‌توان به‌عنوان نمایی برای سنجش کیفیت گزارشگری مالی استفاده کرد. از دیدگاه سرمایه‌گذاران، کیفیت ارقام تعهدی را می‌توان درجه نزدیکی سود شرکت با میزان جریان‌های نقدی ایجادشده تعریف کرد. کیفیت ارقام تعهدی پایین، میزان نزدیکی سود با جریان‌های نقدی را کاهش داده و موجب افزایش ریسک سرمایه‌گذار در ارتباط با تصمیم‌گیری در خصوص شرکت یا شرکت‌های خاص می‌شود (فرانسیس و لانفورد<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵). پس از آغاز انقلاب صنعتی در قرن نوزدهم و با توسعه شرکت‌های سهامی، انبوه سرمایه‌گذارانی به وجود آمدند که در اداره واحدهای اقتصادی مشارکت‌شده خود نقش مستقیمی نداشتند و از طریق انتخاب هیئت‌مدیره و نظارت بر آنها، بر اداره واحد اقتصادی خود، همت می‌گماشتند. حاصل این فرایند، سبب پیدایش مسئله نمایندگی و در ادامه تئوری نمایندگی شد (تنابی و رجبی، ۱۳۹۳). حاکمیت شرکتی، از تضاد منافع بالقوه بین افراد در ساختار شرکت ناشی می‌شود. بدین ترتیب، حل مشکل نمایندگی از طریق بالا بردن کیفیت حاکمیت شرکتی بسیار حائز اهمیت است.

از طرفی، رخداد‌های پرتلاطم ناشی از بحران‌های مالی جهانی در چند دهه اخیر و توجه و تشویق به افزایش کیفیت سود و ارقام تعهدی برای اتخاذ تصمیم‌های مطلوب اقتصادی، از جمله در ایران، از طریق افزایش نظارت بر عملکرد شرکت‌ها و تدوین دستورالعمل‌ها و الزامات متعدد، سبب شده است تا بیشتر از گذشته به عوامل تأثیرگذار بر عملکرد شرکت پرداخته شده و از نوسان‌های آن جلوگیری شود. به گفته استیواستاوا و کاتورا<sup>۲</sup> (۲۰۲۰)، مدیریت و عوامل داخلی و تغییرات اساسی آن، عامل اصلی تغییرات خارجی است و کیفیت حاکمیت شرکتی می‌تواند برای اندازه‌گیری تغییرات درونی و بیرونی، شاخصی مناسب باشد. از این رو، حاکمیت شرکتی می‌تواند در عملکرد مالی و عملیاتی شرکت‌ها نقشی مؤثر داشته باشد.

بر اساس یافته‌های براون و کیلور<sup>۳</sup> (۲۰۰۹)، بنگاه‌هایی که در آمریکا دارای شاخص حاکمیت شرکتی بالاتر بودند، از بازده عملکرد (ROA) بالاتر برخوردارند. حاکمیت شرکتی، عامل تعیین‌کننده مهمی در عملکرد شرکت است و حاکمیت شرکتی ضعیف می‌تواند به منافع سهام‌داران آسیب برساند و حتی ممکن است به فروپاشی یک تجارت منجر شود (لی و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۲۰). در این پژوهش، دو رکن اساسی در حاکمیت شرکتی (اعضای هیئت‌مدیره و سرمایه‌گذاران نهادی)،

بررسی شده است. به گفته بوهل، برزینسکی و ویلفلینگ<sup>۱</sup> (۲۰۰۹)، سرمایه‌گذاران نهادی از بازیگران اصلی در بازار سرمایه هستند. با توجه به آنکه سهام‌داران عمده و نهادی، برای نظارت بر مدیریت، انگیزه و قدرت بیشتری دارند، تضادهای موجود بین مدیران و سهام‌داران را از طریق اعمال نظارت مؤثرتر کاهش خواهند داد (حسنی و برخورداری، ۱۳۹۹). میلگرام<sup>۲</sup> (۱۹۷۴)، در پژوهش خود بیان می‌دارد که اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره‌ها و کمیته‌هایی که تمام اعضای آنها مستقل باشند، به رهایی هیئت‌مدیره از اطاعت غیرارادی کمک می‌کنند. از دیدگاه تئوری نمایندگی، حضور مدیران غیرموظف و مستقل در هیئت‌مدیره شرکت‌ها، به کاهش تعارض منافع سهام‌داران و مدیریت شرکت کمک می‌کند. همچنین مطابق با دیدگاه هرمالین و ویسیج<sup>۳</sup> (۱۹۹۱)، استقلال هیئت‌مدیره به‌عنوان نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره به کل تعداد اعضای هیئت‌مدیره نگریسته می‌شود و هرچه ترکیب هیئت‌مدیره از اعضای مستقل‌تری تشکیل شده باشد، مشکلات نمایندگی کمتر می‌شود. به بیان دیگر، در شرایط عدم تقارن اطلاعاتی، وجود سازوکارهای حاکمیت شرکتی قوی‌تر مانع از بروز هزینه‌های نمایندگی می‌شود و از این طریق ارزش شرکت افزایش می‌یابد (جودی، منصورفر و دیدار، ۱۳۹۸).

هیئت‌مدیره برای نظارت بر مدیریت و مشارکت در تصمیم‌گیری، به دانش مالی و حسابداری نیاز دارد تا بتواند بر کاهش هزینه‌های نمایندگی و تضاد منافع بین مدیران و سرمایه‌گذاران مؤثر باشد. بنابراین وجود یک عضو هیئت‌مدیره با تجربه مالی و حسابداری، می‌تواند باعث نظارت دقیق‌تر بر سایر اعضا شود (نیک بخت، سیدی و هاشم‌الحسینی، ۱۳۸۹). به گفته خانقاه، پیری و منصورفر (۱۳۹۸)، وجود سازوکارهای حاکمیت شرکتی قدرتمند، به کاهش میزان رفتارهای فرصت‌طلبانه مدیران منجر شده و می‌تواند به افزایش رتبه اعتباری شرکت‌ها (افزایش کیفیت سود و کیفیت اقلام تعهدی) بینجامد.

با توجه به مراتب بیان شده، مسئله اصلی این پژوهش این است که آیا کیفیت اقلام تعهدی و کیفیت حاکمیت شرکتی رابطه منفی معناداری با نوسان‌پذیری عملکرد شرکت دارند و آیا کیفیت اقلام تعهدی بر رابطه بین حاکمیت شرکتی با نوسان‌پذیری عملکرد شرکت تأثیرگذار است یا خیر؟

پژوهش حاضر، به سه دلیل به گسترش ادبیات پژوهش در ایران کمک می‌کند. نخست، علی‌رغم آنکه پژوهشگران همچنان در رابطه با تأثیر فاکتورهای حاکمیت شرکتی و همچنین کیفیت اقلام تعهدی بر بازده و کارایی عملکرد شرکت، بحث کرده و پژوهش‌های زیادی انجام داده‌اند، اما میزان تأثیرگذاری این عوامل در ثبات عملکرد یک شرکت، بررسی نشده است. به بیان دیگر، کارایی عملکرد یک شرکت با استفاده از بالا بردن کیفیت حاکمیت شرکتی و کیفیت اقلام تعهدی، همان‌طور که می‌تواند از طریق افزایش میزان بازدهی و سودآوری شرکت منعکس شود، از طریق میزان تغییرپذیری و نوسان‌های عملکرد یک شرکت نیز مشاهده‌شدنی است (سو و توزو<sup>۴</sup>، ۲۰۱۹). در واقع، شرکتی قادر خواهد بود هزینه‌های نمایندگی و همچنین انحراف از میزان سرمایه‌گذاری مورد انتظار را کاهش دهد که دارای کیفیت بالای اقلام تعهدی و هیئت‌مدیره‌ای مستقل و مسلط به امور، به‌عنوان یکی از معیارهای حاکمیت شرکتی باشد. دوم، نوسان‌پذیری عملکرد، سبب ایجاد تغییر در وجوه نقد یک شرکت طی زمان خواهد شد و به‌تدریج موجب افزایش میزان

1. Bohl, Brzezczynski & Wilfling  
3. Hermalin & Weisback

2. Milgram  
4. Sow and Tozo

انحراف میان سود حسابداری و جریان‌های نقدی و در نتیجه کاهش کیفیت اقلام تعهدی می‌شود. در نهایت، تاکنون اثر تعاملی کیفیت اقلام تعهدی و کیفیت حاکمیت شرکتی به‌طور هم‌زمان بر میزان نوسان‌پذیری عملکرد شرکت بررسی نشده است، موضوع این پژوهش در مقایسه با سایر پژوهش‌ها بدیع به نظر می‌رسد.

## مبانی نظری پژوهش

عملکرد یک شرکت، خود، به‌تنهایی متغیر مهمی محسوب می‌شود که می‌تواند بر گروه‌های مختلف ذی‌نفعان، از جمله سهام‌داران، مدیران، کارکنان و اعتباردهندگان تأثیر بگذارد، زیرا، سود سهام، حقوق و مزایا، پاداش و غیره به عملکرد شرکت وابسته است. با توجه به آنکه رقم سود شرکت‌ها یکی از موارد مهمی است که می‌بایست توسط شرکت منتشر شده و بر گروه‌های مختلف ذی‌نفعان تأثیرگذار باشد، بنابراین، کیفیت سود و اقلام تعهدی عاملی مهم در گزارشگری مالی محسوب می‌شود (سو و توزو، ۲۰۱۹). همچنین برخی از پژوهشگران از جمله عبدالرحمان و علی<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) و عابد و العطار<sup>۲</sup> (۲۰۱۲) مشاهده کردند که کیفیت حاکمیت شرکتی یکی از عوامل مهمی است که به افزایش کیفیت اقلام تعهدی از طریق کاهش مدیریت (دستکاری) سود، منجر خواهد شد (شی، داویدسون و دادالت<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳). کارامانو و وافاس<sup>۴</sup> (۲۰۰۵)، نشان داده‌اند که شرکت‌های با وضعیت حاکمیت شرکتی مناسب و کارا، با احتمال بیشتری دارای کیفیت بالاتر اقلام تعهدی هستند.

با گسترش شرکت‌های سهامی و مطرح شدن تئوری نمایندگی و افزایش وظایف و اختیارات هیئت‌مدیره شرکت‌ها، این پرسش مطرح می‌شود که مدیران چگونه پیگیر منافع سهام‌داران خواهند بود و چه تضمینی برای تأمین منافع کلیه سهام‌داران و سایر گروه‌های ذی‌نفع وجود دارد (مرادی و قربانیان، ۱۳۹۹). در این راستا، دوئل، جی و مک‌وی<sup>۵</sup> (۲۰۰۷) بیان می‌کنند که شرکت‌های دارای سازوکارهای حاکمیت شرکتی قوی‌تر، عملکرد بهتری دارند که این امر از پایین بودن هزینه‌های نمایندگی نشئت می‌گیرد. همچنین شرکت‌های دارای عملکرد ضعیف، از دستکاری رویه‌های حسابداری برای بهبود سود شرکت استفاده می‌کنند، بنابراین، کیفیت سود پایینی دارند.

با توجه به مراتب بیان شده، می‌توان گفت که کیفیت اقلام تعهدی می‌تواند بر عملکرد شرکت، اثر مهمی داشته باشد. همچنین، کیفیت حاکمیت شرکتی می‌تواند به‌نحو شایان توجهی از یک سو، کیفیت اقلام تعهدی و از سوی دیگر، عملکرد شرکت را بهبود بخشد. از این رو، می‌توان پیش‌بینی کرد که افزایش کیفیت اقلام تعهدی و افزایش کیفیت حاکمیت شرکتی به‌صورت هم‌زمان، می‌تواند بر بهبود عملکرد شرکت، اثر فزاینده‌ای داشته باشند (سو و توزو، ۲۰۱۹). به بیان دقیق‌تر، انتظار می‌رود با وجود هم‌زمان اقلام تعهدی باکیفیت و سازوکارهای مناسب حاکمیت شرکتی، احتمال نوسان‌های عملکرد شرکت به‌صورت فزاینده‌ای کاهش یابد.

1. Abdul Rahman and Ali  
3. Xie, Davidson, and DaDalt  
5. Doyle, Ge & McVay

2. Abed and Al-Attar  
4. Karamanou and Vafeas

## نوسان‌پذیری عملکرد

عملکرد واحدهای اقتصادی بر اساس دستیابی به اهداف تعیین شده کوتاه‌مدت و بلندمدت اندازه‌گیری می‌شود. از این رو، عملکرد، برای دسترسی به اهداف تعیین شده، معیار مناسبی قلمداد می‌شود.

نوسان‌پذیری عملکرد، به چهار دلیل، در ارزیابی عملکرد سازمان اهمیت دارد: نخست، نوسان‌پذیری عملکرد، سبب ایجاد تغییر در وجوه نقد یک شرکت طی زمان خواهد شد. این نوسان‌ها در جریان نقد ورودی، به‌طور پیش‌فرض ریسک ایجاد خواهند کرد. در چنین شرکتی تبانی‌های پنهانی، بیشتر اتفاق خواهد افتاد (میلر و بروملی<sup>۱</sup>، ۱۹۹۰). دوم، نوسان‌پذیری بالا در عملکرد یک شرکت، برنامه‌ریزی‌های تاکتیکی شرکت را با مشکل مواجه خواهد کرد و می‌تواند به ناکارآمد بودن هزینه‌ها منجر شود و توسعه منسجم استراتژی بلندمدت را محدود کند. سوم، به‌دلیل افزایش ریسک در ارتباط با تغییرپذیری زیاد در عملکرد شرکت و در نتیجه به وجود آمدن بی‌ثباتی و عدم اطمینان، اشخاص ثالث نیز نظیر کارکنان و تأمین‌کنندگان مواد اولیه به‌منظور جبران مشکلات به‌وجودآمده، تقاضای امتیاز خواهند کرد (میلر و بروملی، ۱۹۹۰). در واقع، آنها از این طریق می‌خواهند ریسک خود را (ریسک بیکاری و...) پوشش دهند و به‌نوعی خود را بیمه کنند. در نهایت، نوسان‌پذیری عملکرد بر توانایی مدیران در پشتیبانی از منافع سایر ذی‌نفعان نیز تأثیر می‌گذارد. صحت گزارش‌های مربوط به عملکرد یک شرکت در تصمیم‌های سرمایه‌گذاران، ضروری است (بیر، کوهن، لیز و والتر<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). پژوهش‌های انجام‌شده در خصوص مدیریت استراتژیک نشان می‌دهند که نوسان‌پذیری عملکرد، سبب افزایش احتمال عملکرد ضعیف یک شرکت خواهد شد (میلر و چن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴).

میانگین عملکرد شرکت‌ها ممکن است نتواند برای اندازه‌گیری اثربخشی هیئت‌مدیره فاکتوری مطمئن باشد، زیرا هیئت‌مدیره‌های مؤثر حین انجام وظیفه خود در تأمین منابع، سعی در کاهش هزینه‌های نمایندگی دارند. از این رو، به‌جای ارزیابی میزان اثربخشی هیئت‌مدیره با استفاده از میانگین عملکرد شرکت‌ها، محاسبه نوسان‌پذیری عملکرد یک شرکت می‌تواند گزینه مناسب‌تری باشد. نوسان‌پذیری به ماهیت پویای عملکرد شرکت یا جریان درآمد شرکت طی دوره‌های زمانی اشاره دارد و معیاری برای پایداری عملکرد شرکت است (پیرس و پاتل<sup>۴</sup>، ۲۰۱۸).

## کیفیت اقلام تعهدی

بر اساس نظریه اقتصادی، کاهش نامتقارنی اطلاعاتی در بازار سهام، باعث افزایش نقدینگی و کاهش هزینه سرمایه می‌شود (دیاموند و ورچیا<sup>۵</sup>، ۱۹۹۱). شرکت ممکن است با ارائه سود با کیفیت بهتر (کیفیت اقلام تعهدی بالاتر) برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی تصمیم بگیرد (مهدوی و رضایی، ۱۳۹۷). در واقع در بازار با نقدینگی بالا و سرمایه‌گذاران حرفه‌ای، اقلام تعهدی در مقایسه با جریان‌های نقد ناشی از فعالیت‌های عملیاتی، دارای ارزش مربوطتری است یا اینکه اقلام تعهدی، برای کمک به سرمایه‌گذاران در خصوص ارزیابی عملکرد شرکت، مکمل جریان‌های وجوه نقد است (ویلسون<sup>۶</sup>، ۱۹۸۶). بنابراین، بررسی کیفیت اقلام تعهدی، به‌عنوان یکی از عوامل اصلی مؤثر بر کیفیت سود حسابداری

1. Miller & Bromely

3. Miller & Chen

5. Diamond & Verrecchia

2. Beyer, Cohen, Lys & Walther

4. Pearce & Patel

6. Wilson

که سرمایه‌گذاران به آن توجه می‌کنند نیز، می‌تواند به عملکرد بهتر شرکت و همچنین افزایش رضایتمندی سرمایه‌گذاران و حفظ اعتبار و شهرت شرکت‌ها کمک کند. از این رو، انتظار می‌رود که کیفیت ارقام تعهدی بر عملکرد شرکت و همچنین میزان نوسان‌پذیری آن تأثیرگذار باشد.

در ادبیات مرتبط با تئوری‌های عمل‌گرایانه سود، توجه اصلی متمرکز بر پیش‌بینی‌پذیری سود حسابداری است. اغلب در کوتاه‌مدت، سود حسابداری جریان‌های نقدی آتی را بهتر از خود جریان نقدی پیش‌بینی می‌کند. زیرا ممکن است برخی از جریان‌های نقدی، غیرعملیاتی بوده یا در راستای ایجاد جریان نقد و سودهای آتی مجدد در واحد تجاری، سرمایه‌گذاری شوند. بنابراین، انتظار می‌رود، بین سود و جریان‌های نقدی رابطه معناداری برقرار باشد که کیفیت ارقام تعهدی می‌تواند تا حدی نمایانگر این رابطه باشد.

### کیفیت حاکمیت شرکتی

سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، حاکمیت شرکتی را سیستمی تعریف می‌کند که برای دستیابی به اهداف و نظارت بر عملکرد شرکت به کار برده می‌شود. حاکمیت شرکتی خوب باید اهداف مدیریت را با اهداف سهام‌داران هم‌راستا کند، فعالیت‌های نظارتی را اثربخش کرده و از این طریق مدیران را به استفاده کارا تر از منابع تشویق کند (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه<sup>۱</sup>، ۱۹۹۹).

بر اساس تئوری نمایندگی، در تمام سازمان‌ها و اشکال فعالیت‌های مشارکتی، مشکل نمایندگی وجود دارد. به‌منظور کاهش تضاد منافع بین مدیران و سهام‌داران، باید روش‌های کنترلی مناسبی در شرکت‌ها طراحی و اجرا شوند. به ساختار راهبری شرکتی به‌عنوان راه‌حلی برای کاهش تعارض‌ها و هزینه‌های ناشی از شکل‌گیری روابط نمایندگی توجه شده است (دی<sup>۲</sup>، ۲۰۰۸). از طرفی، مطابق با نظریه ذی‌نفعان، هیئت‌مدیره باید به منافع و انتظاراتی مشروع کلیه ذی‌نفعان در زمان تصمیم‌گیری توجه کند. همچنین شرکت باید برای حفظ حقوق ذی‌نفعان، خط‌مشی‌های مشخصی طراحی و اجرا کند (بانک مشترک‌المنافع استرالیا<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰).

بر اساس بررسی‌های صورت‌گرفته، هر کشور سیستم حاکمیت شرکتی مختص به خود را دارد و می‌توان گفت که سیستم حاکمیت شرکتی در هر کشور، تحت تأثیر دو دسته از عوامل داخلی و خارجی معین می‌شود (حساس یگانه و یزدانیان، ۱۳۸۶).

پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهند، شرکت‌هایی با سازوکارهای راهبری شرکتی مناسب‌تر، به‌دلیل کاهش هزینه عدم تقارن اطلاعاتی و خطر اخلاقی که در واقع، نوعی از عدم تقارن اطلاعاتی یا یکی از پیامدهای آن است، هزینه پایین‌تری را متحمل خواهند شد. خطر اخلاقی به این معناست که یکی از دو طرف (برای مثال، مدیریت) بتواند برخی از امور و اعمال خود را مشاهده کنند اما سایر افراد (برای مثال، سرمایه‌گذاران و مالکان) از این امکان برخوردار نباشند. در واقع، از طریق افزایش کیفیت حاکمیت شرکتی می‌توان پیامدهای عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش داد، بدین ترتیب که با نظارت بیشتر می‌توان مدیر را ملزم کرد تا اطلاعات شرکت، از جمله سود را به‌درستی و به‌طور کامل افشا کند و با ایجاد



معیارهای ارزیابی عملکرد، پیامدهای عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهد. به گفته لی و همکاران (۲۰۲۰)، اگرچه حاکمیت شرکتی به تنهایی برای پیش‌بینی دقیق آشفستگی مالی یا به عبارتی، بی‌ثباتی عملکرد یک شرکت و وجود ریسک ورشکستگی آن کافی نیست، اما می‌تواند بر قدرت پیش‌بینی نسبت‌های مالی و عوامل کلان اقتصادی بیفزاید. به عبارتی، افزایش کیفیت حاکمیت شرکتی میزان پیش‌بینی‌پذیری عملکرد شرکت (بازده) را افزایش خواهد داد یا سبب ثبات عملکرد یک شرکت خواهد شد. یکی از شیوه‌های مهم نظارت در مرحله نخست، نظارت بر اعمال اعضای هیئت‌مدیره شرکت است که مسئولیت تصدی، ترفیع و جایگزینی نمایندگان را دارند. استقلال اعضای هیئت‌مدیره نیز عاملی مؤثر برای کاهش میزان نوسان‌پذیری عملکرد شرکت است (سندرز و همبریک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷). به عقیده برنیل، بیهاگوات و یانکر<sup>۲</sup> (۲۰۱۸)، به دلیل اینکه هیئت‌مدیره‌های متنوع‌تر، در ابعاد مختلفی از جمله سن، تجربه تحصیلی و حرفه‌ای، جنسیت و نژاد اندازه‌گیری می‌شوند، از نوسان‌های بازده سهام پایین‌تر برخوردار هستند. به‌طور کلی، از ویژگی‌های هیئت‌مدیره مثل استقلال و دانش مالی و حسابداری آنها، می‌توان به‌عنوان مواردی از اهرم اجرایی اصول حاکمیت شرکتی نام برد. یکی از مباحث طرح‌شده در زمینه موضوع هیئت‌مدیره، بر مسئله ترکیب هیئت‌مدیره تمرکز دارد. هرچه ترکیب هیئت‌مدیره از اعضای مستقل‌تری تشکیل شده باشد، مشکلات نمایندگی کمتر می‌شود (هرمالین و ویسیج، ۱۹۹۱). هیئت‌مدیره‌ها باید به تعداد کافی، اعضای غیرموظف در هیئت‌مدیره منصوب کنند تا بتوانند در زمینه‌هایی که امکان بالقوه تضاد در منافع بین مالکان (سهام‌داران) و مدیران (نمایندگان) وجود دارد، به‌طور مستقل قضاوت کنند (بانک مشترک‌المنافع استرالیا، ۲۰۱۰). همچنین، برای آنکه هیئت‌مدیره بتواند بر مدیریت شرکت نظارت بهتری داشته و در تصمیم‌گیری‌های انجام‌شده مشارکت داشته باشد، به مجموعه‌ای از فنون و مهارت‌ها، از جمله مهارت حسابداری، بانکداری و قانون نیاز دارد. فرض زیربنای این موضوع آن است که اعضای بدون تجربه در دانش حسابداری یا مالی، در کشف مشکلات موجود در گزارشگری مالی توانایی کمتری دارند. همچنین، وجود یک عنصر مالی باتجربه می‌تواند باعث حساس بودن و هوشیاری سایر اعضا شود (نیک‌بخت و همکاران، ۱۳۸۹).

از معیارهای دیگر حاکمیت شرکتی که سبب بهبود کیفیت آن خواهد شد، مالکیت نهادی سهام است. از آنجا که هزینه‌های نمایندگی بر ارزش شرکت اثری منفی دارد، سهام‌دار نهادی به‌عنوان یکی از اجزای خارجی حاکمیت شرکتی می‌تواند بر کاهش میزان هزینه‌های نمایندگی اثرگذار باشد (نوروش، کرمی و وافی، ۱۳۸۸). منظور از سرمایه‌گذاران نهادی، شرکت‌های بیمه، صندوق‌های سرمایه‌گذاری، مؤسسه‌های مالی، بانک‌ها و شرکت‌های سهامی است (نمازی و کرمانی، ۱۳۸۸). یکی از اهداف کلیدی حاکمیت شرکتی، ایجاد کنترل‌هایی است که ضامن ارائه منصفانه صورت‌های مالی شرکت باشد (حساس یگانه، دیدار و اسکندری، ۱۳۹۳). افزایش کیفیت حاکمیت شرکتی، به بهبود عملکرد و در نتیجه کاهش میزان نوسان‌پذیری آن منجر خواهد شد. از این رو، بررسی عناصر حاکمیت شرکتی همچون استقلال اعضای هیئت‌مدیره، درصد مالکیت سهام‌داران نهادی و استفاده از متخصصان مالی و حسابداری در ترکیب اعضای هیئت‌مدیره و ارتباط آن با نوسان‌پذیری عملکرد، به کاهش هزینه‌های نمایندگی به‌عنوان یکی از موضوع‌های چالش‌برانگیزی که مدیران و مالکان با آن سروکار دارند، منجر خواهد شد.

در پژوهش‌های خارجی، تران و ترکیلا<sup>۱</sup> (۲۰۲۰)، رابطه میان تمرکز قدرت اعضای هیئت‌مدیره و نوسان‌پذیری عملکرد را بررسی کرده و با استفاده از ایجاد دو شاخص رتبه‌ای و طولی، تمرکز قدرت هیئت‌مدیره را اندازه‌گیری کردند. نتایج پژوهش آنها حاکی از آن بود که شرکت‌های با تمرکز بیشتر قدرت هیئت‌مدیره، نوسان‌پذیری عملکرد بیشتری دارند. گونسکاراج، لونگ و تان<sup>۲</sup> (۲۰۲۰)، رابطه بین قدرت هیئت‌مدیره (از طریق شاخص‌هایی همچون حق حضور تقریبی اعضای هیئت‌مدیره، استقلال هیئت‌مدیره، تفکیک مدیرعامل از رئیس هیئت‌مدیره و...) و عملکرد شرکت‌های سهامی را بررسی کردند و بیان داشتند که عملکرد شرکت به‌طور عمیق، تحت تأثیر ساختار و قدرت هیئت‌مدیره است، اما می‌بایست تأثیر عوامل دیگر از جمله جایگاه شرکت در بازار سهام را نیز در نظر گرفت. به گفته پیرس و پاتل (۲۰۱۸)، ثبات و استقلال اعضای هیئت‌مدیره به کاهش نوسان‌پذیری عملکرد منجر خواهد شد. آنها معتقدند که هرچه دانش اعضای هیئت‌مدیره در خصوص وضعیت و شرایط شرکت بیشتر باشد، می‌تواند از تصمیم‌ها و رفتارهای مخرب مدیرعامل شرکت که با آن آشنایی دارند، جلوگیری کند. نگوین، لوک و ردی<sup>۳</sup> (۲۰۱۵)، رابطه بین تمرکز مالکیت و عملکرد مالی شرکت‌ها را در سنگاپور و ویتنام بررسی کردند. نتایج پژوهش آنها حاکی از آن بود که مالکیت متمرکز، از جمله مالکیت نهادی، سبب افزایش نظارت بر عملکرد شرکت‌ها و در نتیجه بهبود عملکرد آنها خواهد شد. نجاح و جاربوی<sup>۴</sup> (۲۰۱۳)، در پژوهش خود ارتباط بین مالکیت نهادی و مدیریت سود را در برخی از شرکت‌های فرانسوی بررسی کردند. نمونه پژوهش شامل ۷۶ شرکت فرانسوی از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۰ است. نتایج پژوهش آنها نشان می‌دهد، در شرکت‌های دارای سهام‌دارانی با مالکیت نهادی، فرصت‌های دستکاری سود محدود شده و در نتیجه کیفیت ارقام تعهدی افزایش می‌یابد. دچو و دیچو<sup>۵</sup> (۲۰۰۲) که کیفیت ارقام تعهدی را به‌عنوان معیاری برای اندازه‌گیری عملکرد شرکت می‌دانستند، طی پژوهشی نشان دادند که با افزایش خطای برآورد ارقام تعهدی (کاهش کیفیت ارقام تعهدی)، کیفیت سود کاهش می‌یابد که نشان‌دهنده تضعیف عملکرد شرکت است.

در پژوهش‌های داخلی، احمدی، آهنگری و حاجب (۱۳۹۸)، تأثیر هم‌زمان حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی بر کیفیت سود حسابداری را بررسی کرده و از متغیر عملکرد مالی به‌عنوان متغیر میانجی استفاده کردند. نتایج پژوهش آنها حاکی از آن بود که حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم (توسط متغیر میانجی عملکرد مالی) بر کیفیت سود (کیفیت ارقام تعهدی) تأثیر مثبت معنادار دارد. مشایخی (۲۰۱۱)، رابطه بین سه ویژگی حاکمیت شرکتی (اندازه هیئت‌مدیره، دوگانگی وظیفه مدیرعامل و نمایندگان سهام‌داران نهادی در هیئت‌مدیره) و مدیریت سود را بررسی کرد. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که اندازه هیئت‌مدیره، دوگانگی وظیفه مدیرعامل و نمایندگان سهام‌داران نهادی در هیئت‌مدیره با مدیریت سود رابطه معناداری دارند. فرزین و خوزین (۱۳۹۵)، رابطه بین سرمایه انسانی و تخصص مالی اعضای هیئت‌مدیره با کیفیت اطلاعات مالی در پنجاه شرکت برتر پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی کردند. یافته‌های پژوهش آنها نشان داد که بین سرمایه انسانی و تخصص مالی اعضای هیئت‌مدیره با کیفیت اطلاعات مالی رابطه معناداری وجود دارد. حسن‌زاده و عظیمی (۱۳۹۲)، رابطه بین ساختار سرمایه و ویژگی‌های

1. Tran &amp; Turkiela

3. Nguyen, Locke &amp; Reddy

5. Dechow and Dichev

2. Gunasekarage, Luong &amp; Thanh

4. Njah &amp; Jarboui

هیئت مدیره با ارزش شرکت را بررسی کردند. نتایج پژوهش حاکی از وجود رابطه مثبت و معنادار بین دانش مالی هیئت مدیره با ارزش شرکت بود. وکیلی فرد و باوندپور (۱۳۸۹)، رابطه بین معیارهای حاکمیت شرکتی و معیارهای ارزیابی عملکرد را بررسی کردند. نتایج پژوهش آنها حاکی از آن بود که بین سهام داران نهادی و عملکرد شرکتها، رابطه مستقیم و معناداری و بین نسبت حضور اعضای غیرموظف هیئت مدیره و عملکرد شرکتها رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

با توجه به تحلیلها و یافته‌های بالا، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر مطرح می‌شوند:

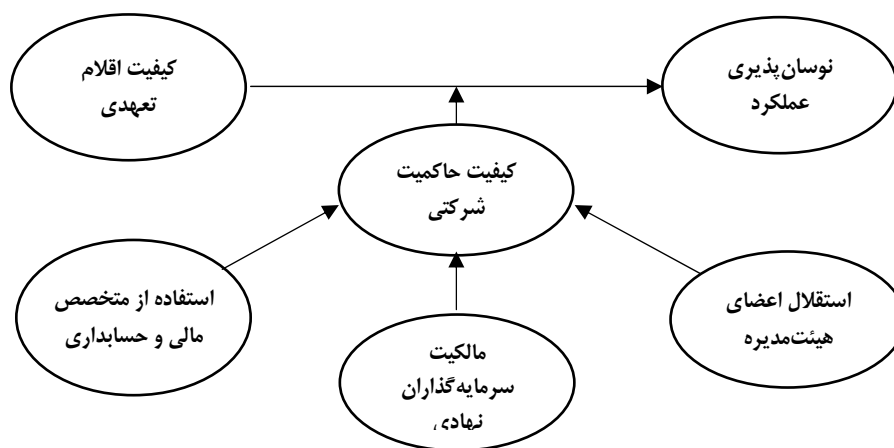
فرضیه نخست: کیفیت اقلام تعهدی با نوسان پذیری عملکرد شرکت، رابطه منفی معنادار دارد.

فرضیه دوم: کیفیت حاکمیت شرکتی با نوسان پذیری عملکرد شرکت، رابطه منفی معنادار دارد.

فرضیه سوم: کیفیت حاکمیت شرکتی، رابطه منفی بین کیفیت اقلام تعهدی با نوسان پذیری عملکرد شرکت را تشدید می‌کند.

### مدل مفهومی پژوهش

مدل مفهومی پژوهش، با توجه به فرضیه‌های ارائه شده در بالا به شرح شکل ۱ است.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

### روش شناسی پژوهش

داده‌های مورد نیاز در این پژوهش، از طریق گزارش‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان اصلی ترین منبع اطلاعاتی گردآوری شده و سپس فرضیه‌های طرح شده بر اساس مدل‌های همبستگی تحلیل رگرسیون از طریق نرم افزار آماری views آزمون شدند.

انتخاب نمونه از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ با استفاده

از معیارهای زیر انجام شد:

۱. شرکت از ابتدای سال ۸۹ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده و تا پایان سال ۹۷ از فهرست شرکت‌های مذکور حذف نشده باشد.
  ۲. سال مالی شرکت به ۲۹ اسفند ختم شود و شرکت در دوره بررسی‌شده، سال مالی خود را تغییر نداده باشد.
  ۳. زیان‌ده نباشد و زیان انباشته نداشته باشد.
  ۴. جزء بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی (شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی، بانک‌ها و لیزینگ‌ها) نباشد.
- با توجه به محدودیت‌های بیان‌شده، تعداد ۹۷ شرکت از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران به‌عنوان نمونه آماری این پژوهش مد نظر قرار گرفتند.

### مدل‌های پژوهش و اندازه‌گیری متغیرها

برای آزمون فرضیه‌های اول و دوم این پژوهش از مدل ۱ و برای آزمون فرضیه سوم از مدل ۲ استفاده خواهد شد:

$$ROAV_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 ACCQ_{i,t} + \beta_2 CGQ_{i,t} + \beta_3 Size_{i,t} + \beta_4 LEV_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۱)}$$

$$ROAV_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 ACCQ_{i,t} + \beta_2 CGQ_{i,t} + \beta_3 ACCQ_{i,t} \times CGO_{i,t} + \beta_4 Size_{i,t} + \beta_5 LEV_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۲)}$$

$ROAV_{i,t}$ : نوسان‌پذیری عملکرد شرکت است که از انحراف معیار بازده دارایی‌ها برای دوره سه‌ساله  $t-1$  تا  $t+1$  به دست می‌آید. بازده دارایی‌ها از تقسیم سود خالص بر کل دارایی‌ها حاصل می‌شود.

$CGO_{i,t}$ : به‌منظور اندازه‌گیری کیفیت حاکمیت شرکتی از میانگین متغیرهای مجازی (صفر و ۱) شامل استقلال اعضای هیئت‌مدیره، سرمایه‌گذاران نهادی و استفاده از متخصصان مالی و حسابداری در ترکیب اعضای هیئت‌مدیره به شرح زیر استفاده می‌شود.

$ACCQ_{i,t}$ : به‌منظور اندازه‌گیری کیفیت ارقام تعهدی از مدل فرانسویس، لافوند، اولسن و اسچپیر<sup>۱</sup> (۲۰۰۵) به‌شرح زیر محاسبه می‌شود. قدر مطلق مقادیر باقی‌مانده این مدل ضرب در عدد (-۱) بیانگر کیفیت ارقام تعهدی خواهد بود. به‌منظور استاندارد کردن اعداد و ارقام و سهولت محاسبات، دو طرف معادله از طریق تقسیم‌بر دارایی‌های اول دوره مقیاس‌زدایی شده‌اند.

$$TCA_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 CFO_{i,t-1} + \alpha_2 CFO_{i,t} + \alpha_3 CFO_{i,t+1} + \alpha_4 \Delta REV_{i,t} + \alpha_5 PPE_{i,t} + \varepsilon_{i,t} \quad \text{مدل (۳)}$$

$TCA_{i,t}$  کل ارقام تعهدی شرکت  $i$  در سال  $t$  است که بر اساس رویکرد مبتنی بر صورت جریان وجوه نقد (سود خالص منهای جریان‌های نقد عملیاتی) اندازه‌گیری می‌شود.  $CFO_{i,t}$  جریان وجه نقد حاصل از عملیات شرکت  $i$  در سال  $t$  است.  $\Delta REV_{i,t}$  تغییر در درآمد ناشی از فروش شرکت  $i$  بین سال‌های  $t$  و  $t-1$  است.  $PPE_{i,t}$  خالص دارایی‌های ثابت مشهود شرکت  $i$  در سال  $t$  است.

مالکیت سرمایه‌گذاران نهادی: چنانچه درصد مالکیت سهام‌داران نهادی شرکت از میانه این درصد در تمامی شرکت – سال‌های نمونه بالاتر باشد، این متغیر ۱ و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته شد. درصد سهام‌داران نهادی، درصد سهامی از شرکت است که در اختیار شرکت‌های سرمایه‌گذاری، هلدینگ، شرکت‌های بیمه، صندوق‌های بازنشستگی، صندوق‌های سرمایه‌گذاری، شرکت‌های تأمین سرمایه، مؤسسه‌های مالی، بانک‌ها و اشخاص حقیقی و حقوقی دارای مالکیت بیش از ۵ درصد سهام، است.

استقلال اعضای هیئت‌مدیره: به‌منظور اندازه‌گیری استقلال اعضای هیئت‌مدیره از نسبت اعضای غیرموظف به کل اعضای هیئت‌مدیره استفاده می‌شود. چنانچه نسبت اعضای غیرموظف به کل اعضای هیئت‌مدیره، بیش از میانه این نسبت برای کل شرکت – سال‌های نمونه پژوهش باشد، این متغیر ۱ و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته شد. استفاده از متخصص مالی و حسابداری در ترکیب اعضای هیئت‌مدیره: چنانچه شرکت دارای بیش از یک متخصص مالی و حسابداری در بین اعضای هیئت‌مدیره باشد، این متغیر ۱ و در غیر این صورت صفر در نظر گرفته شد.

$Size_{it}$ : لگاریتم طبیعی ارزش بازار شرکت  $i$  در پایان سال  $t$  است.

$LEV_{it}$ : نسبت بدهی است که از تقسیم ارزش دفتری بدهی‌ها به ارزش دفتری دارایی‌ها در پایان سال  $t$  به دست می‌آید.

## یافته‌های پژوهش

### آمار توصیفی

آماره‌های توصیفی پژوهش در جدول ۱ ارائه شده و متغیرهای پژوهش در این جدول به‌صورت خلاصه بررسی شده‌اند. جدول ۲ دربردارنده اصلی‌ترین شاخص‌های مرکزی و پراکندگی است. میانگین برای متغیر نوسان‌پذیری عملکرد شرکت برابر ۰/۰۴۴۵ است و میانه که وضعیت جامعه را نشان می‌دهد، برای این متغیر، برابر با ۰/۰۴۴ است. همچنین یکسان بودن مقدار میانگین و میانه نشان‌دهنده نرمال بودن این متغیر است. از جمله شاخص‌های مهم پراکندگی، انحراف معیار است که برای متغیر نوسان‌پذیری عملکرد شرکت معادل ۰/۰۱۳۶ بوده و مقدار ضریب چولگی آن منفی و نزدیک صفر است که نشان می‌دهد توزیع نرمال بوده و به‌میزان خیلی اندکی چوله به چپ است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
نوسان‌پذیری عملکرد شرکت	۰/۰۴۵	۰/۰۴۴	۰/۰۸۲	۰/۰۰۴	۰/۰۱۴	-۰/۰۸۸	۳/۳۹۵
کیفیت اقلام تعهدی	-۰/۱۲۱	-۰/۰۹۱	-۰/۰۰۱	-۱/۴۲۴	۰/۱۳۳	-۴/۳۲۰	۳۳/۸۷۴
کیفیت حاکمیت شرکتی	۰/۴۷۴	۰/۳۳۳	۱/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۲۸۹	۰/۰۴۸	۲/۳۲۸
کیفیت حاکمیت شرکتی و کیفیت اقلام تعهدی	-۰/۰۵۵	-۰/۰۳۶	۰/۰۰۰	-۰/۹۵۰	۰/۰۷۵	۱/۴۷۵	۰/۱۹۵
اندازه شرکت	۱۴/۴۱۸	۱۴/۲۵۱	۱۹/۷۹۵	۱۰/۴۰۷	۱/۴۷۵	۰/۶۲۷	۴/۱۰۲
اهرم مالی	۰/۵۲۶	۰/۵۳۶	۰/۹۴۳	۰/۰۱۳	۰/۱۹۵	-۰/۲۶۴	۲/۵۲۴

## نتایج آزمون فرضیه اول و دوم

برای تعیین نوع مدل رگرسیونی برای برازش مدل‌های پژوهش، از آزمون‌های اف لیمر و هاسمن استفاده شده است که بر اساس نتایج آن در جدول ۲، مدل‌های رگرسیونی استفاده‌شده از نوع داده‌های ترکیبی با مدل اثرهای ثابت، هستند. یافته‌های برازش مدل رگرسیون برای تخمین فرضیه‌های اول و دوم، در جدول ۳ ارائه شده‌اند.

جدول ۲. نتایج آزمون F لیمر و هاسمن

مدل	آماره اف لیمر	احتمال	نتیجه	آماره هاسمن	احتمال	نتیجه
مدل ۱	۱/۷۳۶	۰/۰۰۰۰	تابلویی	۲۰/۹۲۲	۰/۰۰۰۴	اثرهای ثابت
مدل ۲	۱/۸۰۰	۰/۰۰۰۰	تابلویی	۲۵/۹۶۳	۰/۰۰۰۰	اثرهای ثابت

جدول ۳. نتایج آزمون فرضیه‌های اول و دوم

شرح	متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدأ	-	۰/۰۱۹	۰/۰۰۳	۷/۰۷۶	۰/۰۰۰۰
کیفیت اقلام تعهدی	ACCQ	-۰/۰۳۳	۰/۰۰۲	-۱۸/۲۳۰	۰/۰۰۰۰
کیفیت حاکمیت شرکتی	CGQ	-۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	-۳/۸۳۹	۰/۰۰۰۱
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۰۳	۰/۰۰۰	۱۶/۶۶۴	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	LEV	-۰/۰۳۲	۰/۰۰۱	-۲۳/۲۰۷	۰/۰۰۰۰
ضریب تعیین		۰/۸۹۸	آماره F		۵۰/۷۴۳
ضریب تعیین تعدیل‌شده		۰/۸۸۰	سطح معناداری		۰/۰۰۰۰۰۰
دوربین واتسون		۲/۰۹۶	استقلال خطاها (LM)		۰/۰۶۰۱

مطابق با اطلاعات ارائه‌شده در جدول ۳، ضریب تعیین تعدیل‌شده بالغ بر ۸۸ درصد است که نشان می‌دهد، متغیرهای توضیحی قادر هستند ۸۸ درصد از تغییرات نوسان‌پذیری عملکرد را توضیح دهند. همچنین احتمال آماره F بیانگر این است که کل مدل از لحاظ آماری معنادار است. برای بررسی استقلال پسماندهای مدل‌های برازش‌شده از آماره آزمون دوربین - واتسون و بریش گادفری استفاده شد. مقدار آماره آزمون دوربین واتسون معادل ۲/۰۹۶ استقلال خطاها را تأیید می‌کند، همچنین از آنجا که آماره آزمون بریش گادفری (LM) معنادار نیست، می‌توان نتیجه گرفت که بین خطاها خودهم‌بستگی وجود ندارد. میزان احتمال و علامت آماره t برای متغیرهای کیفیت اقلام تعهدی و کیفیت حاکمیت شرکتی، نشان می‌دهد که بین این دو متغیر و متغیر نوسان‌پذیری عملکرد رابطه منفی معنادار وجود دارد. بنابراین

فرضیه‌های اول و دوم پژوهش تأیید می‌شوند. همچنین مطابق با جدول بالا، بین اندازه شرکت و اهرم مالی با نوسان‌پذیری عملکرد به ترتیب روابط مثبت و منفی معنادار وجود دارد.

### نتایج آزمون فرضیه سوم

یافته‌های برازش مدل رگرسیون برای تخمین فرضیه سوم، در جدول ۴ ارائه شده‌اند.

جدول ۴. نتایج آزمون فرضیه سوم

شرح	متغیرها	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
عرض از مبدأ	-	۰/۰۱۹	۰/۰۰۲	۷/۹۲۵	۰/۰۰۰۰
کیفیت اقلام تعهدی	ACCQ	-۰/۰۳۷	۰/۰۰۲	-۲۰/۵۲۳	۰/۰۰۰۰
کیفیت حاکمیت شرکتی	CGQ	-۰/۰۰۵۴	۰/۰۰۰	-۶/۷۸۳	۰/۰۰۰۰
کیفیت حاکمیت شرکتی و کیفیت اقلام تعهدی	ACCQ × CGQ	-۰/۰۵۳	۰/۰۰۴	-۱۲/۰۰۳	۰/۰۰۰۰
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۱۶/۹۶۸	۰/۰۰۰۰
اهرم مالی	LEV	-۰/۰۳۱	۰/۰۰۱	-۲۴/۴۲۲	۰/۰۰۰۰
ضریب تعیین	۰/۹۰۹	آماره F		۵۷/۲۳۶	
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۸۹۳	سطح معناداری		۰/۰۰۰۰۰۰	
دوربین واتسون	۲/۰۷۷	استقلال خطاها (LM)		۰/۰۷۱۳	

مطابق با اطلاعات ارائه شده در جدول بالا، ضریب تعیین تعدیل شده بالغ بر ۸۹ درصد است که نشان می‌دهد، متغیرهای توضیحی قادر هستند ۸۹ درصد از تغییرات نوسان‌پذیری عملکرد را توضیح دهند. همچنین احتمال آماره F بیانگر این است که کل مدل از لحاظ آماری معنادار است. برای بررسی استقلال پسماندهای مدل‌های برازش شده از آماره آزمون دوربین - واتسون و بریش گادفری استفاده شد. مقدار آماره آزمون دوربین واتسون معادل ۲/۰۷۷ استقلال خطاها را تأیید می‌کند، همچنین از آنجا که آماره آزمون بریش گادفری (LM) معنادار نیست، می‌توان نتیجه گرفت که بین خطاها خودهمبستگی وجود ندارد. به منظور آزمون فرضیه سوم می‌بایست معناداری دو متغیر کیفیت اقلام تعهدی و کیفیت اقلام تعهدی\* کیفیت حاکمیت شرکتی با یکدیگر مقایسه شود. از آنجا که میزان احتمال آماره t برای هر دو متغیر نام‌برده بیانگر وجود رابطه معنادار منفی بین آنها و متغیر نوسان‌پذیری عملکرد است و همان‌گونه که مشاهده می‌شود، ضریب متغیر تعاملی برابر با -۰/۰۵۳ و ضریب متغیر کیفیت اقلام تعهدی برابر با -۰/۰۳۷ است، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که کیفیت حاکمیت شرکتی، رابطه بین کیفیت اقلام تعهدی با نوسان‌پذیری عملکرد را منفی‌تر کرده است. با وجود این، به منظور بررسی دقیق‌تر چگونگی اثرگذاری کیفیت حاکمیت شرکتی بر رابطه بین کیفیت اقلام تعهدی و نوسان‌پذیری عملکرد، از آزمون والد<sup>۱</sup> استفاده شده است که نتیجه آن به شرح جدول زیر ارائه می‌شود.

1. Wald

## جدول ۵. نتایج آزمون والد

نتیجه	احتمال	آماره آزمون والد
معنادار است.	۰/۰۰۰۶	۴۲۱/۲۰۰

همان‌گونه که در جدول بالا مشاهده می‌شود، بین ضرایب دو متغیر کیفیت اقلام تعهدی و متغیر تعاملی، تفاوت معناداری وجود دارد، بنابراین، می‌توان گفت که کیفیت حاکمیت شرکتی، رابطه بین کیفیت اقلام تعهدی و نوسان‌پذیری عملکرد شرکت را منفی‌تر و تشدید کرده است.

**بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها**

با توجه به اهمیت توجه به عوامل تأثیرگذار بر عملکرد شرکت‌ها و ایجاد کنترل‌هایی برای نظارت بر آن، هدف این پژوهش ایجاد کنترل‌هایی است که تضمین‌کننده ارائه منصفانه اطلاعات مالی شرکت در صورت‌های مالی باشد (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۹۳). افزایش کیفیت حاکمیت شرکتی، به بهبود عملکرد و در نتیجه کاهش میزان نوسان‌پذیری آن منجر خواهد شد. از این رو، بررسی عناصر حاکمیت شرکتی همچون استقلال اعضای هیئت‌مدیره، درصد مالکیت سهام‌داران نهادی و استفاده از متخصصان مالی و حسابداری در ترکیب اعضای هیئت‌مدیره و ارتباط آن با نوسان‌پذیری عملکرد به کاهش هزینه‌های نمایندگی به‌عنوان یکی از موضوع‌های چالش‌برانگیزی که مدیران و مالکان با آن سروکار دارند، منجر خواهد شد. هدف حاکمیت شرکتی، افزایش ضریب اطمینان فعالیت‌های شرکت و سیاست‌های مدیریت در راستای منافع سهام‌داران و به‌طور مشخص و کلی، تمامی ذی‌نفعان است. بنابراین می‌توان انتظار داشت که بین حاکمیت شرکتی و عملکرد آنها رابطه وجود داشته باشد (رجبی و گنجی، ۱۳۸۹).

از طرفی، بررسی کیفیت اقلام تعهدی به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل مؤثر بر کیفیت سود حسابداری که سرمایه‌گذاران به آن توجه می‌کنند نیز می‌تواند به عملکرد بهتر شرکت و همچنین افزایش رضایتمندی سرمایه‌گذاران و حفظ اعتبار و شهرت شرکت‌ها کمک کند. از این رو، هدف از انجام این پژوهش، بررسی رابطه کیفیت اقلام تعهدی و کیفیت حاکمیت شرکتی با نوسان‌پذیری عملکرد شرکت و تأثیر کیفیت حاکمیت شرکتی بر رابطه کیفیت اقلام تعهدی با نوسان‌پذیری عملکرد شرکت بوده است. با توجه به آزمون‌ها و تحلیل‌هایی که از طریق آزمون رگرسیون و هم‌بستگی انجام شد، نتیجه گرفته شد که کیفیت اقلام تعهدی با نوسان‌پذیری عملکرد رابطه معکوس و معنادار دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های احمدی و همکاران (۱۳۹۸) و دجو و دیچو (۲۰۰۲) مطابق است. همچنین، نتایج فرضیه دوم حاکی از آن بود که کیفیت حاکمیت شرکتی با نوسان‌پذیری عملکرد شرکت رابطه منفی معنادار داشته که این نتیجه با نتایج پژوهش‌های تران و ترکیلا (۲۰۲۰)، گونسکاراج و همکاران (۲۰۲۰)، پیرس و پاتل (۲۰۱۸)، نگوین و همکاران (۲۰۱۵)، فرزین و خوزین (۱۳۹۵) و وکیلی‌فرد و باوندپور (۱۳۸۹) مطابق است. فرضیه سوم مبنی بر تشدید رابطه منفی بین کیفیت اقلام تعهدی و نوسان‌پذیری عملکرد شرکت به‌وسیله متغیر تعدیلگر کیفیت حاکمیت شرکتی، تأیید شده و با نتایج پژوهش مهدوی و رضایی (۱۳۹۷) مطابق است.

از آنجا که افزایش نظارت بر عملکرد شرکت‌ها از طریق ایجاد کنترل‌هایی به‌منظور ارتقای کیفیت حاکمیت شرکتی



و الزام آنها به پاسخ‌گویی بیشتر در رابطه با کیفیت سود حسابداری و همچنین تلاش در خصوص افزایش رضایتمندی سرمایه‌گذاران و افزایش ضریب اطمینان فعالیت‌های شرکت و سیاست‌های مدیریت، به ایجاد آرامش در شرکت منجر شده و در نتیجه از وقوع نتایج غیرعادی جلوگیری می‌کند، در این مقاله نشان دادیم که به‌طور کلی افزایش کیفیت حاکمیت شرکتی و کیفیت اقلام تعهدی به‌عنوان معیاری برای نظارت بر عملکرد شرکت‌ها سبب کاهش نوسان‌پذیری بازده عملکرد شرکت خواهد شد.

با توجه به تأیید رابطه منفی معنادار بین متغیر کیفیت حاکمیت شرکتی و کیفیت اقلام تعهدی با نوسان‌پذیری عملکرد شرکت و همچنین اثر تعاملی کیفیت حاکمیت شرکتی بر رابطه بین کیفیت اقلام تعهدی با نوسان‌پذیری عملکرد شرکت، به نهادهای نظارتی از جمله سازمان بورس و اوراق بهادار پیشنهاد می‌شود، به‌منظور ارتقای معیارهای حاکمیت شرکتی شرکت‌ها، تدابیر ویژه‌ای بیندیشند. همچنین، به سهام‌داران، سرمایه‌گذاران و تحلیلگران بازار سرمایه پیشنهاد می‌شود که در زمان تعیین ریسک (نوسان عملکرد) شرکت‌های بورسی به معیارهایی مانند کیفیت اقلام تعهدی و کیفیت حاکمیت شرکتی توجه بیشتری کنند.

## منابع

- احمدی، محمدرضا؛ آهنگری، عبدالمجید؛ حاجب، حمیدرضا (۱۳۹۸). بررسی تأثیر هم‌زمان حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی بر کیفیت سود با نقش میانجی ساختار سرمایه و عملکرد مالی، فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت دارایی و تأمین مالی، (۲۴)۱، ۸۳-۱۰۲.
- برادران حسن‌زاده، رسول؛ عظیمی، مینا (۱۳۹۲). بررسی تأثیر ساختار سرمایه و ویژگی‌های هیئت‌مدیره بر ارزش شرکت در بین ۵۰ شرکت برتر بورس اوراق بهادار تهران، یازدهمین همایش ملی حسابداری ایران، مشهد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- تنابی، محسن؛ رجیبی، هادی (۱۳۹۳). بررسی تأثیر اندازه و استقلال هیئت‌مدیره بر هزینه‌های نمایندگی، حسابداری مالی، (۲۳)۶، ۸۶-۱۰۳.
- جودی، سمیرا؛ منصورفر، غلامرضا؛ دیدار، حمزه (۱۳۹۸). کیفیت حاکمیت شرکتی درونی و بیرونی، عدم تقارن اطلاعاتی و نگاه‌داشت وجه نقد: افزایش یا کاهش ارزش شرکت. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، (۱)۲۶، ۳۹-۶۴.
- حساس یگانه، یحیی؛ دیدار، حمزه؛ اسکندری، احمد (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت اقلام تعهدی اختیاری و غیراختیاری در شرکت‌های پذیرفته‌شده بورس اوراق بهادار تهران، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، (۱۹)۶، ۱۱-۱۴.
- حساس یگانه، یحیی؛ یزدانینان، نرگس (۱۳۸۶). تأثیر حاکمیت شرکتی بر کاهش مدیریت سود. مطالعات حسابداری، ۱۷، ۱۵۱-۱۷۲.
- حسینی، محمد؛ برخوردار، حمیده (۱۳۹۹). مطالعه تأثیر تمرکز مالکیت نهادی بر رابطه بین استقلال هیئت‌مدیره و حق‌الزحمه خدمات حسابرسی: تقابل دیدگاه‌های مبتنی بر عرضه و تقاضا در قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، (۱)۲۷، ۳۲-۵۹.
- دستگیر، محسن؛ غنی‌زاده، بهرام (۱۳۹۲). تأثیر کیفیت اقلام تعهدی بر سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه حسابداری مالی، (۲۰) ۵، ۴۲-۶۵.

رجبی، روح‌الله؛ گنجی، عزیزالله (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین نظام راهبری و عملکرد مالی شرکت‌ها. *مجله پژوهش‌های حسابداری مالی*، ۲(۲)، ۳۴-۲۳.

فرزین، منا؛ خوزین، علی (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین سرمایه انسانی و تخصص مالی اعضای هیئت‌مدیره با کیفیت اطلاعات مالی در ۵۰ شرکت برتر پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، دومین همایش سراسری مباحث کلیدی در علوم مدیریت و حسابداری، گرگان.

محمدی خانقاه، گلشن؛ پیری، پرویز؛ منصورفر، غلامرضا (۱۳۹۸). مدیریت سود واقعی، کیفیت حاکمیت شرکتی و رتبه اعتباری. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۶(۴)، ۵۹۵-۶۱۴.

مرادی، عزیزاله؛ قربانیان، محمد (۱۳۹۹). نقش تعدیل‌گری کیفیت گزارش مالی بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و ریسک نقد شوندگی سهام. *فصلنامه علمی تخصصی رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری*، ۴(۲۸)، ۳۲-۱۵.

مهدوی، غلامحسین؛ رضایی، غلامرضا (۱۳۹۷). اثر میانجیگری افشای داوطلبانه و کیفیت سود بر رابطه بین ساختار حاکمیت شرکتی و عدم تقارن اطلاعاتی. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۲(۳۹)، ۳۶-۲۱.

نمازی، محمد؛ کرمانی، احسان (۱۳۸۷). تأثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۱۵(۴)، ۱۰۰-۸۳.

نوروش، ایرج؛ کرمی، غلامرضا؛ وافی ثانی، جلال (۱۳۸۸). بررسی رابطه سازوکارهای نظام راهبری شرکت و هزینه‌های نمایندگی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *تحقیقات حسابداری و حسابرسی*، ۱(۱)، ۲۷-۴.

نیک‌بخت، محمدرضا؛ سیدی، عزیز؛ هاشم‌الحسینی، روزبه (۱۳۸۹). بررسی تأثیر ویژگی‌های هیئت‌مدیره بر عملکرد شرکت. *مجله پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز*، ۲(۱)، ۲۷۰-۲۵۱.

وکیلی فرد، حمیدرضا؛ باوندپور، لیدا (۱۳۸۹). تأثیر حاکمیت شرکتی بر عملکرد شرکت، *دانش مالی تحلیل اوراق بهادار (مطالعات مالی)*، ۳(۸)، ۱۳۹-۱۱۹.

## References

- Ahmadi, M., Ahangari, A., Hajeb, H., (2019). Investigating the Simultaneous Effect of Corporate Governance and Audit Quality on Earnings Quality with the Mediating Role of Capital Structure and Financial Performance. *Asset Management and Financing*, 7(1), 83-102. (in Persian)
- Baradaran Hasan Zadeh, Rasoul, Azimi, Mina. (2013), Investigating the Impact of Capital Structure and Board Characteristics on Corporate Value among the Top 50 Companies of Tehran Stock Exchange, *The 11th Iranian accounting conference*. (in Persian)
- Bernile, G., Bhagwat, V., Yonker, S., (2018). Board diversity, firm risk, and corporate policies, *J. Financ. Econ*, 127, 588-612.
- Beyer, A., Cohen, D.A., Lys, T.Z., Walther, B.R., (2010). The financial reporting environment, *review of the recent literature*. *Journal of Accounting and Economics*, 50 (2-3), 296-343.

- Bohl, M., Brzezczynski, J., Wilfling, B. (2009). Institutional investors and stock returns Volatility: Empirical evidence from a natural experiment. *Journal of Banking & Finance*, 33, 627-639.
- Dastgir, M., Ghanizadeh, B. (2013). The effect of quality of accruals on long-term investments in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Financial Accounting Quarterly*, 5 (20), 42-65. (in Persian)
- Dechow, P. & Dichev, I. (2002). The quality of accruals and earnings: The role of accruals and earnings: The role of accrual estimation errors. *The Accounting Review*, 77, 35-59.
- Dey, A. (2005). Corporate Governance and Financial Reporting Credibility. *Working Paper*, Northwestern University, Kellogg School of Management, Evanston, Illinois.
- Diamond, D. & Verrecchia, R. (1991). Disclosure, liquidity and the cost of capital, *Journal of finance*, 46(4), 1325-1360.
- Doyle, J. T., Ge, W., & McVay, S. (2007). Accruals quality and internal control over financial reporting. *the Accounting Review*, 82(5), 1141-1170.
- Farzin, M., & Khozin, A. (2016). Investigating the Relationship between Human Capital and Financial Expertise of Board Members with Financial Information Quality in the Top 5 Companies Listed in Tehran Stock Exchange, 2<sup>nd</sup> national congress of the key issues in management and accounting, Gorgan. (in Persian)
- Francis, J. & Lafond, R. & Olsson, P. & Schipper, K. (2005). The Market Pricing of Accruals Quality. *Journal of Accounting and Economics*, 39, 295-327.
- Gunasekarage, A., Luong, H., Truong, T.T. (2020). Growth and market share matrix, CEO power, and firm performance. *Pacific - Basin Finance Journal*, 59, 101-257.
- Hassani, M., Barkhordari, H. (2020). Investigating the Impact of Institutional Ownership Concentration on the Relationship between Board Independence and Audit Services Fees: Contraposition Supply & Demand Based Perspectives. *Accounting and Auditing Review*, 27(1), 32-59. (in Persian)
- Hassas Yeganeh, Y., Didar, H., Eskandari, A. (2014). The Survey of Relationship between Corporate Governance and Innate and Discretionary Accruals Quality of Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Financial Accounting Research*, 6(1), 1-14. (in Persian)
- Hassas Yeganeh, Y., & Yazdanian, N. (2007). The Effect of Corporate Governance on Decrease Earning Management. *Empirical studies in financial Accounting Quarterly*, 5(17), 151-171. (in Persian)
- Hermalin, B. E. & Weisbach, M. S. (1991). The effects of board composition and direct incentives on firm performance. *Financial Management Association*, 20, 101-112.
- Joudi, S., Mansourfar, G., Didar, H. (2019). Internal and External Corporate Governance Quality, Information Asymmetry and Cash Holdings: Increase or Decrease in the Firm Value. *Accounting and Auditing Review*, 26(1), 39-64. (in Persian)

- Karamanou, I. & Vafeas, N. (2005). The association between corporate boards, audit committees, and management earnings forecasts: an empirical analysis. *Journal of Accounting research*, 43(3), 453-485.
- Brown, L.D., & Caylor, M.L. (2009). Corporate governance and firm operating performance, *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 32, 129-144.
- Li, Zh., Crook, J., Andreeva, G., & Tang, Y. (2020). Predicting the Risk of Financial Distress using Corporate Governance Measures. *pacific Basin Finance Journal*, Available in: <https://doi.org/10.1016/j.pacfin.2020.101334>.
- Mahdavi, Gh., Rezaei, Gh. (2018). The Mediate Effect of Voluntary Disclosure and Earnings Quality on the Relationship between Corporate Governance and Information Asymmetry. *Accounting and Auditing Research*, 10(39), 21-36. (in Persian)
- Milgram, S. (1974). *Obedience to Authority: An Experimental View*. New York: Hyper and Row.
- Miller, K.D., Bromiley, P., (1990). Strategic risk and corporate performance, an analysis of alternative risk measure. *The Academy of Management Journal*, 33(4), 756-779.
- Miller, K.D., Chen, W. R. (2004). Variable organizational risk preferences, Tests of the March-Shapira model. *The Academy of Management Journal*, 47(1), 105-115.
- Mohammadi Khanghah, G., Piry, P., Mansourfar, G. (2020). Real Earnings Management, Corporate Governance Quality and Credit Rating. *Accounting and Auditing Review*, 26(4), 595-614. (in Persian)
- Moradi, A., & Ghorbani, M. (2020). Mediating role of financial reporting quality on the relationship between corporate governance and stock liquidity risk. *Journal of New Research Approaches in Management and Accounting*, 4(28), 15-32. (in Persian)
- Namazi, M., & Kermani, E. (2009). Investigating the Effects of Ownership Structure on the Performance of the Companies Accepted in the Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Review*, 15(4), 83-100. (in Persian)
- Neuyen, T., Locke, S., Reddy, K. (2015). Ownership concentration and corporate performance from a dynamic perspective: Does national governance quality matter? *International Review of Financial Analysis*, 41, 148-161.
- Nickbakht, M.R., Seyedi, A., & Hashemolhoseini, R. (2010). Investigating the effect of board characteristics on firm performance. *Journal of Accounting advances*, 2(1), 251-270. (in Persian)
- Njah, Mouna, Jarbou, Anis (2013). Institutional investors, corporate governance, and earnings management around merger: evidence from French absorbing firms. *Journal of Economics, Finance and Administrative Science*, 18, 89-96.
- Nouravesh, I., Karami, GH.R, Vani Sani, J. (2009). An Investigation on the Relationship Between Corporate Governance Mechanisms and Agency Costs Among Listed Firms of Tehran Stock Exchange, *Accounting Research*, 1(1), 4-27. (in Persian)
- Pearce, J. A. II, Patel, P. C. (2018). Board of director efficacy and firm performance variability, *The Journal of Long Range Planning*, 51, 911-926.

- Rajabi, R., & Ganji Arjenaki, A. (2010). Relationship between Corporate Governance and Financial Performance. *Journal of Financial Accounting Research*, 2(2), 23-34. (in Persian)
- Sanders, W.G., Hambrick, D.C., (2007). Swinging for the fences, the effects of CEO stock options on company risk taking and performance, *Academy of Management Journal*, 50(5), 1055-1078.
- Sow, I., Tozo, K. (2019). The impact of Corporate Governance on firm's Performance and Earnings Management: The Case of China's Listed firms. *International Journal of Science and Business*, 3(1), 84-96.
- Srivastava, G., Kathuria, V. (2020). Impact of corporate governance norms on the performance of Indian utilities. *Energy Policy*, <https://doi.org/10.1016/j.enpol.2020.111414>.
- Tanabi, M., Rajabi, H. (2014). Investigating the Impact of Board Size and Independence on Agency Expenses. *Financial Accounting*, 6 (23), 86-103.
- Tran, H., Turkiela, J. (2020). The powers that be: Concentration of authority within the board of directors and variability in firm performance, *Journal of Corporate Finance*, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3318660>.
- Vakilifard, H., & Bavandpour, L. (2011). Effects Corporate Governance on Firm Performance. *Financial Knowledge of Securities Analysis*, 3(8), 119-139. (in Persian)
- Wilson, G. P. (1986). The relative information content of accruals and cash and cash flows: combined evidence at the earnings announcement and annual report date. *Journal of accounting research*, 24(1), 165-200.
- Xie, B., Davidson, W. & DaDalt, P.J. (2003). Earnings management and corporate governance: the roles of the board and the audit committee. *Journal of Corporate Finance*, 9, 295-316.